

زمان آن رسیده که آموزش پزشکی به دامن وزارت علوم برگردد

ایجاد می‌شود که اینگونه مشکلات و معضلات نیز با یکپارچگی آموزش عالی رفع می‌شود. وی درباره اصلاح سیستم پذیرش دانشجو، گفت: پیشنهاد پذیرش دانشجوی پزشکی از دوره لیسانس که از طریق فرهنگستان ارایه شده بود طرح بسیار مفیدی است، چرا که مسوولیت تحصیل در رشته‌هایی چون پزشکی باید در زمانی به داوطلب واگذار شود که وی با تحصیلات دانشگاهی و کل سیستم آموزش عالی آشنا باشد تا قضاوت بالغ تر و رشد کرده تری داشته باشد.

رییس فرهنگستان علوم پزشکی کشور در خصوص چگونگی آموزش رشته‌های علوم پایه، خاطرنشان کرد: در وضعیت فعلی و به دلیل عدم وجود یکپارچگی در سیستم آموزش عالی کشور طبیعی است که داوطلبان در این رشته‌ها باید به تناسب نیازهای موجود و مرتبط با فعالیت آینده آنان تربیت شوند.

وزیر پیشتر علوم، آقای دکتر معین در پاسخ به این پرسش: در خصوص جدایی رشته‌های گروه علوم پزشکی از وزارت بهداشت چه موضعی دارید؟ می‌گوید: من جدا شدن آموزش علوم پزشکی از وزارت علوم را مثبت ارزیابی نمی‌کنم. به نظر من اگر این ایده در یکی دو استان پیاده می‌شد و پس از ارزیابی، چنانچه نتایج به دست آمده مثبت و قابل دفاع بود به سطح ملی آمده و در سطح کشور گسترش پیدا می‌کرد، بهتر و قابل دفاع بود. چون همه شاخه‌های علوم، از یک ریشه و یک ساقه برخوردارند. یعنی تنه اصلی و ریشه مشترک است و شاخه‌ها هستند که مرتب جدا می‌شوند. این است که اگر شما بیابید علوم پزشکی را که یکی از گروه‌های علمی مهم است از آن تنه اصلی جدا کنید، کار غیرعلمی است و هرچه هم که جلوتر می‌رویم، ارتباط بین شاخه‌های مختلف علوم، بیشتر از گذشته می‌شود.

ماهانامه ی تشخیص آزمایشگاهی شاید تنها نشریه ای است که بارها بر ناروایی "آمیختن آموزش پزشکی با درمان و بهداشت" پافشاری کرده است. گویا خوشبختانه این روزها فرار از بهم ریختگی در پیکره وزارت بهداشت در زمینه ی مالی، انگیزه‌ای برای جدایی این دو را فراهم کرده است. آمیزش آموزش پزشکی با درمان در کشور ما، بجز فرومایگی در کیفیت آموزش و درمان و پایین آمدن "کلاس" در دو زمینه در پهنه ی جهانی، دستاورد دیگری ندارد. در این باره سخنان رییس فرهنگستان علوم پزشکی کشور به خوبی روشنگر است.

او می‌گوید: وزارت بهداشت یک وزارتخانه اجرایی است با مشکلات درمانی، بهداشتی و دارویی خود؛ بنابراین به دلیل اینگونه مسوولیت‌ها، دانشگاه‌های علوم پزشکی به مسائل اجرایی غیرمرتبط با مسوولیت خود کشانده شده‌اند و در نهایت مسائل بهداشت و محیط و سایر کارهایی که جزو حیطه وظایف وزارت بهداشتی بود، امروزه انجام نمی‌شود و همچنین تعیین کیفیت مواد غذایی و مواد بهداشتی به عهده دانشگاه‌ها واگذار شده است که این مسائل مطلقا با وظایف دانشگاهی مطابقت ندارد.

رییس فرهنگستان علوم پزشکی کشور با نادرست خواندن درگیر کردن دانشگاه‌ها در مسائل اجرایی، به روشنی گفت: این امر منجر به هدر رفتن نیروی دانشگاهی، افت کیفیت آموزشی دانشگاه‌ها و بیمارستان‌های آموزشی و ایجاد مشکلات بودجه‌ای در آنها شده است.

دکتر فاضل ادامه داد: تسریع در یکپارچگی آموزش عالی و بازگرداندن مسوولیت‌های آموزشی به دامان متولی اصلی آن، به اصلاح سیستم آموزش علمی کشور کمک زیادی می‌کند وی با اشاره به وجود رشته‌های علوم پایه مشترک بین دانشگاه‌های وزارتخانه‌های علوم و بهداشت، گفت: در این وضعیت نوعی دوگانگی و موازی کاری در زمینه تدوین استانداردهای آموزشی و سایر مسائل آموزشی

چگونه "دانشگاه" فروشگاه زنجیره‌ای شد؟

گفتاری از معاون پژوهشی و آموزشی پژوهشکده مطالعات فرهنگی

آموزش عالی و تبدیل کردن دانشگاه به محلی برای رانت و در دهه اخیر نیز تبدیل کردن دانشگاه به یک چاه نفت سودآور بوده است.

صنعت «مدرک‌سازی» و «نخبه‌سازی»

وی با اشاره به این که «نمی‌توان فاجعه آموزش عالی و بحران امروز آن را بدون این عوامل داخلی و بیرونی در حوزه آموزش عالی فهمید» گفت: تبدیل کردن دانشگاه ایرانی به صنعت مدرک‌سازی و صنعت نخبه‌سازی مهمترین فرآیندهای فروپاشی دانشگاه بوده و هست، تبدیل دانشگاه به صنعت منحن مدرک‌سازی و نخبه پروری بیش از همه در ساختار دانشگاه آزاد و پیام نور و علمی کاربردی ظهور یافت.

وی در توضیح صنعت مدرک‌سازی گفت: صنعت مدرک‌سازی دال بر آنست که شما بدون اندک زحمتی به مدارج و مدارک دانشگاهی دست پیدا می‌کنید و تنها زحمت برای این کار، پرداخت پول و هزینه آن در قالب شهریه و پول تولیدات علمی کاذب و تقلبی است.

دکتر رحمانی همچنین درباره صنعت نخبه‌سازی هم توضیح داد: تبدیل شدن دانشگاه به صنعت نخبه‌سازی را می‌توان در تولید انبوه و مکانیکی منزلت و موقعیت استادی دید، همه به راحتی استاد می‌شوند و این یعنی انحطاط یکی از ارزش‌ها و نقش‌های کلیدی فرهنگ ایرانی.

استاد پژوهشکده مطالعات فرهنگی با اشاره به این که صنعت دانشگاه ایرانی را می‌توان نوعی فروشگاه زنجیره‌ای مدرک دانست، ادامه داد: در قالب دانشگاهی آزاد، پیام نور و علمی کاربردی بخشی از ارزش‌های کلیدی فرهنگ را به اضمحلال برد. در این وضعیت می‌توان از نوعی استثمار فرهنگ و شاید غارت فرهنگ توسط مدیران این فروشگاه‌های زنجیره‌ای تولید و فروش مدرک صحبت کرد. به گفته رحمانی، از سوی دیگر منطق رانتی بورسیه

دکتر جبار رحمانی «سرپرست معاونت پژوهشی و آموزشی پژوهشکده مطالعات فرهنگی» در یک گفتگو با «فرارو» مساله دگرگونی های دانشگاه و تحولات ذهنیت مردم نسبت به دانشگاه را به میان کشید. او گفت: امروزه با تغییرات زیادی در فضای آموزش عالی مواجه هستیم که محققان مختلف به اشکال مختلف آن را بیان کرده‌اند، برخی از شکست دانشگاه، برخی از مرگ دانشگاه و برخی از فروپاشی و متلاشی شدن دانشگاه حرف زده‌اند.

برخی هم از علم به مثابه یک سوتفاهم در ایران صحبت کرده‌اند، همه این‌ها حتی اگر در کلیت معنادار نباشند، در عمل بیانگر یک وضعیت بغرنج و نامناسب هستند. به گفته این استاد انسان‌شناسی، نمی‌توان این وضعیت را که هنوز بر سر آن توافقی دقیق و جدی شکل نگرفته به درستی توصیف کرد. به گفتی وی مساله اصلی آنست که وجه مشترک دیدگاه‌های معقول در باب دانشگاه وضعیت نامناسب و بحران کیفیت در آنست که محققان حرفه‌ای بر آن تاکید دارند. در فضای عمومی با تصویر دیگری از علم و دانشگاه در گفتمان‌های رسمی مواجهیم که بیشتر به یک رویاپردازی شباهت دارد.

او گفت: گفتمانی که مهم‌ترین مستنداتش تعداد کمی مقالات خارجی ایرانیان است که این حباب توهمی هم بالاخره در یک افتضاح بین‌المللی فروباشید. مساله اصلی آنست که فهم وضعیت امروز، بدون ملاحظه تاریخ دانشگاه ایرانی، به‌ویژه دانشگاه در چهار دهه اخیر مقذور نیست. دکتر رحمانی همچنین اظهار کرد: دانشگاه سیاست‌زده و تحت سیطره ایدئولوژی طی این دوره زمانه به هر سمتی هم هدایت شده باشد، می‌توان گفت جهت اصلی آن آکادمی و علم واقعی نبوده است. فروپاشی امروز نتیجه سیاست‌های غلط در حوزه

در دانشگاه‌های کشور نیز تعداد انبوهی شبه استاد را یک شبه تولید کرده و در دانشگاه‌های دولتی نشانده که در نتیجه آخرین خاکریزهای دانشگاه هم توسط اسب تروای بورسیه فتح شد و دانشگاه به وضعیت فروپاشیده امروز دچار شد. دکتر جبار رحمانی در ادامه تاکید کرد: متولیان نهاد دانشگاه، کسانی شدند که سرمایه فرهنگی و نمادین و سرمایه علمی لازم را نداشتند و فقط و فقط سرمایه رانتی لازم و کافی را داشتند.

وی درباره فرایند این پدیده اظهار کرد: ردپای این فرآیند را می‌توان در چهار دهه اخیر دنبال کرد: فرایند تقلیل دانشگاه به آموزش صوری مهارت‌ها و دانش سطحی، نوعی فرهنگ‌زدایی از دانشگاه که در غالب مدعای تبدیل دانشگاه به دستگاه تولید متخصص متعهد انجام شد. این استاد معتقد است که در نتیجه دانشگاه هر روز بیشتر از دیروز به جسمی بی‌جان و بدنی بی‌روح تبدیل شد. روح اخلاقی دانشگاه در فرمالیسم سطحی فرهنگی حاکم بر متولیان آن خشکید و نهال علم هم در شوره زار رانتی شدن دانشگاه و تبدیلیش به فروشگاه زنجیره ای مدرک، خشکید. تک گل‌های زیبای اخلاق و علم هم ناشی از تلاش‌های فردی و خودساخته بودند، نه محصول عادی نهاد علم در ایران.

ویرانه دانشگاه چطور ساخته شد؟

به گفته دکتر رحمانی: این شوره‌زار دانشگاه محصول یک شب نیست که کار یک دولت به تنهایی باشد. دست در دست هم داده تا این ویرانه ساخته شده است. وی البته به افرادی اشاره کرد که در بدنه نهاد علم و در مقام استاد و مدیر نهاد علم، تمام تلاششان نجات این نهاد از دست آفت‌هایی است که به جانس افتاده‌اند. این کارشناس ادامه داد: به عبارت دیگر مساله تباهی صفر یا صد نیست، بلکه تباهی نسبی است که امروزه به یک بیماری فراگیر بر پیکره آموزش عالی ایران تبدیل شده است. این

وضعیت محصول تعاملی هم‌افزایانه از نیروهای داخلی و مداخله‌های بیرونی در نهاد علم است.

دکتر جبار رحمانی هم چنین گفت: با این وجود، وجدان حقیقت طلب استادان و دانشجویان است که روزنه‌های امید را همچنان باز نگه داشته است.

استادان لایق اندک هستند

به گفته استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی، استادان لایق اندک هستند و به سختی در این میانه و با از خودگذشتگی کار می‌کنند، تلاش‌های آن‌ها تنها شریان سالم نهاد علم در ایران است. وی اما در ادامه تاکید کرد که مساله آن است این استادان هر روز بیشتر از دیروز نا امید می‌شوند چون بر سپاهیان فروشگاه‌های زنجیره‌ای دانشگاه و استادان رانتی هر روز بیشتر می‌شوند و البته دسترسی‌شان هم به رانت‌های قدرت و ثروت بیشتر می‌شود، در نتیجه فضایی مسموم وجود دارد. دکتر جبار رحمانی همچنین با اشاره به دخالت‌های نیروهای بیرون دانشگاه در نهاد علم اظهار کرد: به نظر می‌رسد علی‌رغم این دخالت‌ها متولیان این نهاد هم در فروپاشی حرمتش سهیم هستند.

به گفته این عضو شورای مرکزی موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ، آن‌ها که لیاقت علمی نداشته‌اند و وارد دانشگاه شده‌اند، قبل از هرکاری حریت اخلاقی و علمی‌شان را قربانی به دست آوردن جایگاهی کرده‌اند که لایقش نبوده‌اند.

امتداد ابتدال در دانشگاه

وی همچنین در ادامه بحث اخلاق در دانشگاه گفت: فردی که به منطقی غیر اخلاقی وارد دانشگاه شده نمی‌تواند مظهري برای حیات اخلاقی علم و مدافع آن باشد، او در عمل امتداد ابتدالی است که از دل همان وارد دانشگاه شده است.

به گفته این کارشناس هنجارهای نهاد علم و قواعد مدیریت نهاد علم و دانشگاه در ایران به هر چیزی شبیه باشند اما به اصول علمی و دانشگاهی مطلوب شبیه نیستند. استانداردهای دانشگاهی را اموری غیرعلمی و هنجارهایی غیر اخلاقی و با منطق رانته تعیین می‌کنند. دانشگاه ایرانی شبیه بدنی است که نه تنها سلول‌های ایمنی‌اش را از دست داده بلکه ویروس‌های متنوع و خطرناکی به اشکال مختلف واردش شده‌اند.

جبار رحمانی در ادامه اظهار کرد: این پیکر محتضر نیاز به درمانی جدی و اساسی دارد و گرنه بوی تعفنش هر روز از روزه ای جدید سر بر می‌آورد. از ماجرای بورسیه، از ماجرای فروش علم و تولید انبوه کاذب علم و از استادان ارتقا یافته با تولیدات تقلبی. وی ادامه داد: دانشگاه ایرانی آنقدر فرتوت و محتضر شده حتی نمی‌تواند واکنشی درست به تقلب‌های درونی خودش نشان بدهد چه برسد به دستکاری‌های بیرونی. مساله تقلب‌های علمی و ارتقا‌های زودرس در سلسله مراتب دانشگاهی و همچنین صدور نامحدود مدارک دانشگاهی بیانگر وضعیت آنومیکی است که خرده فرهنگ دانشگاه دچار آن شده است.

وی همچنین می‌گوید هنوز جامعه دانشگاهی تصمیم جدی برای اتخاذ رویه ای بنیادین برای مواجهه با این فسادهای داخلی نگرفته است.

آینده علمی در دانشگاه‌های ایران؟

دکتر رحمانی درباره آینده دانشگاه در کشور گفت: متخصصان این حوزه چندان خوشبین نیستند. ایده‌های مختلفی مطرح شده است. برخی می‌خواهند تولید علم را در بیرون نهاد دانشگاه جستجو کنند و برخی معتقد به مهاجرت کنشگران علمی از نهادهای دانشگاهی به نهادهای پژوهشی خصوصی صحبت کرده‌اند و برخی هم از فروپاشی و شکست روند جریان علم در ایران. هر آنچه هست هنوز در میان متخصصان امیدی به

نیروهای متعهد و متخصص دانشگاهی و دانشجویی وجود دارد. شاید بتوان در لابلای این چرخه فروپاشی و انحطاط راهی به رهایی یافت.

او همچنین درباره مساله بین‌المللی شدن گفت: فارغ از همه ابعاد مثبت آن برای تولید علمی در ایران، راهی است برای درمان این وضع نابسامان درونی در دانشگاه ایرانی. به گفته دکتر رحمانی حضور در عرصه‌های بین‌المللی و حضور آن‌ها در ایران دیگر فرصتی برای رانت‌های علمی و ابتذال‌های علمی باقی نخواهد گذاشت یا حداقل این فرصت‌ها را اندک خواهند کرد.

دکتر جبار رحمانی همچنین با اشاره به گذشته علم در ایران گفت: روزی در ایران زمین، در حدود قرن پنجم هجری، اگر استادی نقلی به غلط می‌کرد یا حتی حدیثی را نادرست استناد می‌داد، تمام اعتبار عمر علمی خودش را از دست می‌داد، ولی امروزه در همین دانشگاه مادر کشورمان، تقلب علمی فاحش می‌کند و نه تنها اعتباری از دست نمی‌دهند، بلکه ارتقا هم می‌گیرند.

به همین دلیل به اعتقاد این انسان‌شناس می‌توان از نوعی بحران اخلاق در آکادمی ایران صحبت کرد، ریشه بحران علمی نیز دقیقا در همین بحران اخلاقی است. وی همچنین گفت: مساله بودن یا نبودن محقق توانا نیست، بلکه فضایی است که در نهاد آموزش عالی ایران ایجاد رانت و فساد می‌کند و کنشگران علمی به بیماری فساد دچار می‌شوند.

جبار رحمانی در انتها نتیجه گرفت که به همین دلیل در آینده بیش از آنکه به دنبال احیای تولید علمی باشیم (البته نه به شیوه مبتذل مقالات سفارشی و خریداری شده)، باید به دنبال احیای اخلاق علمی و اخلاق دانش باشیم. اگر بحران اخلاقی نهاد علم رفع شود، قطعاً بحران دانشگاه راحت تر حل خواهند شد.